۹- کلام آخر

همانگونه که خواننده اطلاع دارد، پیشگوئی من، و یا بیمی که در سطور آخر فصل پیشین ابراز داشتم، پس از چند ماه تأیید گردید. انتقاد از انقلاب مداوم برای رادک تنها اهرمی بود تا بوسیله آن خود را از اپوزیسیون جدا سازد. ما امیداورایم، که کل کتاب ما ثابت کند که گذار رادک به اردوی استالین برای ما غیرمنتظره نبود. لکن مرتد شدن نیز سلسله مراتب خود را دارد. رادک در ندامت نامه خود، سیاست استالین در چین را کاملاً تبرئه می کند. این کار به معنی سقوط در قعر خیانت است. تنها کافی است تا بخشی از جواب من به توبه نامه رادک، پرئوبراژنسکی و سمیلگا را نقل کنم. توبه نامه ای که آنان را در لیست سیاه عیب جویان و بدبینان سیاسی قرار می دهد:

"همانگونه که در خور کلیه ورشکستگان خود ستاست، این سه نفر نیز مسلماً از پنهان شدن در زیر سرپوش انقلاب مداوم کوتاهی نکردند. این سه تسلیم طلب در پی آنند که با سوگندی مبتذل دایر بر اینکه وجه مشترکی بین انقلاب چین و تئوری انقلاب مداوم موجود نیست، بر روی غم انگیزترین تجربه شکست های اپورتونیسم در تاریخ معاصر- انقلاب چین- سرپوش بگذارند.

"رادک و سمیلگا لجوجانه از تبعیت حزب کمونیست چین از کومین تانگ بورژوائی دفاع می کردند. آنهم نه فقط تا کودتای چیانکایشک، حتی پس از آن. پرئوبراژنسکی، مانند هر موقعی که مسائل سیاسی مطرح می شود، چیزی نامفهوم نجوا کرد. یک حقیقت قابل ملاحظه اینست که کلیه اعضائی از اپوزیسیون که از اطاعت حزب کمونیست از کومین تانگ جانبداری می کردند، تسلیم شده از آب در آمدند. این لکه ننگ بر دامن هیچ یک از افراد اپوزیسیون که به پرچم خود وفادار ماند، ننشسته است. سه ربع قرن پس از انتشار بیانیه کمونیست، یک ربع قرن پس از تشکیل حزب بلشویک، این "مارکسیست های" بخت بر گشته ممکن دیدند که از اسارت کمونیست ها در قفس کومین تانگ دفاع کنند! رادک در پاسخی که به اتهامات

www.hks-iran.com

من داد، در همان موقع نیز، مانند توبه نامه امروزیش سعی کرد که ما را از "جدا ماندن" پرولتاریا از دهقانان- در صورت خروج حزب کمونیست از کومین تانگ بورژوائی- بترساند. کمی قبل از آن رادک حکومت کانتون را حکومت دهقانان و کارگران خواند و بدینوسیله به کمک استالین شتافت تا تبعیت پرولتاریا از بورژوازی را مخفی کند، چگونه می توان بر این اعمال شرم آور، نتایج این عدم بصیرت، این حماقت، این خیانت به مارکسیسم سرپوش گذارد؟ واقعاً چگونه؟ با محکوم کردن انقلاب مداوم!

"رادک، که در پی یافتن بهانه ای برای تسلیم نمودن خود بود، در فوریه ۱۹۲۸ بدون تأمل پشتیبانی خود را از قطعنامه پلنوم فوریه ۱۹۲۸ هیئت اجرائیه کومینترن در باره مسئله چین اعلام کرد. این قطعنامه به تروتسکیست ها برچسب انحلال طلبی زد. زیرا آنها شکست ها را شکست خواندند، و حاضر نبودند که ضدانقلاب پیروز چین را به عنوان عالی ترین مرحله انقلاب چین بپذیرند. در این قطعنامه فوریه مشی قیام مسلحانه و تشکیل شوراها اعلام گشت. برای کسی که به کلی از غریزه سیاسی محروم نباشد و با تجربه انقلابی آبدیده شده باشد، این قطعنامه نمونه ای از مشمئزکننده ترین و غیرمسئولان ترین ماجراجوئی هاست. رادک از این قطعنامه پشتیبانی کرد. پرئوبراژنسکی نیز با روشی که به خردانه تر از رادک نبود به آن روی آورد، منتها از جانب دیگر. او نوشت که انقلاب چین فعلاً شکست خورده، و در واقع برای یک مدت طولانی هم شکست خورده است. انقلابی دیگر به این زودی ها فرا نخواهد رسید. آیا ارزش دارد که بر سر چین با سانتریستها به مشاجره پرداخت؟ پرئوبراژنسکی مراسلات مفصلی در این باره ارسال می داشت. وقتی من این مراسلات را در آلما-آتا خواندم، احساس شرم به من دست داد. این افراد در مکتب لنین چه آموخته اند؟ این سوالی بود که من بارها و بارها از خود می کردم. مفروضات پرئوبراژنسکی با مفروضات رادک در تضاد کامل بودند اما نتیجه گیری آنها یکسان بود: هر دوی آنها در این آرزوی بزرگ بودند که یاروسلاوسکی تحت

www.hks-iran.com

توجهات منژینسکی آنها را برادرانه در آغوش بگیرد. بله، البته آنها اینکار را بخاطر منافع انقلاب کردند. آنها جاه طلب نیستند. ابداً. آنان صرفاً افرادی هستند بی توان و از نظر ایدئولوژی ورشکسته.

"در مقابل قطعنامه ماجراجویانه پلنوم فوریه (۱۹۲۸) هیئت اجرائیه کومینترن، من در همان موقع راه بسیج کردن کارگران چینی را تحت شعارهای دموکراتیک، منجمله شعار تشکیل مجلس مؤسسان چین، پیشنهاد کردم. اما در اینجا این سه بخت برگشته به ماوراء چپ سقوط کردند، این آسان بود و برای آنان هیچ تعهدی بوجود نمی آورد. شعارهای دموکراتیک؟ هرگز. این یک اشتباه عظیم از جانب تروتسکی است. برای چین فقط شوراها- بدون یک درصد تخفیف! مشکل است چیزی بی معنی تر از این موضع- اگر بتوان آنرا موضع نامید- به فکر انسان برسد. شعار شوراها در مرحله ارتجاع بورژوائی یک سرو صدای کودکانه و به مسخره کشیدن شوراهاست. اما حتی در دوران انقلاب نیز، یعنی، در دوران ساختمان مستقیم شوراها، ما شعارهای دموکراتیک را حذف نکردیم. ما آنها را حذف نکردیم تا آن که شوراهای حقیقی که قدرت را در دست گرفته بودند، در انظار توده ها با نهادهای واقعی دموکراسی به مقابله و تصادم پرداختند. این امر در زبان لنین (و نه در زبان استالین بی فرهنگ و طوطیانش) به این معنی است؛ در راه تکامل کشور، نباید از روی مرحله دموکراتیک جهید.

"بدون برنامه دموکراتیک- مجلس مؤسسان، هشت ساعت کار، مصادره زمین، استقلال ملی چین، حق تعیین سرنوشت برا ی مردمی که در این سرزمین زندگی می کنند- بدون این برنامه دموکراتیک، حزب کمونیست چین دست و پایش بسته است و مجبور است که میدان را بدون مقاومت به سوسیال دموکرات های چین بسپارد. یعنی کسانیکه ممکن است به کمک استالین، رادک و شرکاء، جای حزب کمونیست را بگیرند.

www.hks-iran.com

"بنابراین: رادک گرچه بدنبال اپوزیسیون بود، معهذا مهمترین نکته را در انقلاب چین نفهمید. چرا که او از تبعیت حزب کمونیست چین از کومین تانگ دفاع کرد. رادک ضدانقلاب چین را هم نفهمید. چرا که او بعد از ماجراجوئی کانتون شیوه قیام مسلحانه را مورد پشتیبانی قرار داد. رادک با کنار گذاردن تکالیف دوران انتقالی به نفع انتزاعی ترین عقیده در مورد شوراها و خارج از زمینه زمانی و مکانی آن، امروزه دوران ضدانقلاب و مبارزه برای دموکراسی را با یک جهش پشت سر می گذارد. اما در عوض رادک سوگند یاد می کند که هیچ وجه اشتراکی با انقلاب مداوم ندارد. جای خوشوقتی است. تسلی بخش است...

تئوری ضدمارکسیستی استالین و رادک برای چین، هندوستان و کلیه کشورهای مشرق زمین به معنی تکرار آزمون تغییر شکل یافته- ولی اصلاح نشده- کومین تانگ است.

"برمبنای کلیه تجربیات انقلابات روسیه و چین، براساس تعالیم مارکس و لنین، که در پرتو محک این انقلابات آزمایش شده اند، اپوزیسیون تأکید می کند که:

"انقلاب نوین چین تنها به شکل دیکتاتوری پرولتاریا می تواند رژیم موجود را سرنگون کند و قدرت را به توده مردم منتقل سازد.

"دیکتاتوری دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان، برخلاف دیکتاتوری پرولتاریا که دهقانان را رهبری می کند و برنامه دموکراسی را تحقق می بخشد، یک افسانه است، خود فریبی است یا از این بدتر، کرنسکیسم یا کومین تانگیسم است.

"میان رژیم کرنسکی و چیانکایشک از یکسو، و دیکتاتوری پرولتاریا از سوئی دیگر، هیچ رژیم انقلابی بینابینی و میانه وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد. هرکس فرمول چنین رژیمی را مطرح کند و به فریب ننگ آور کارگران مشرق زمین دست یازیده و مصیبت تازه ای را تدارک می بیند."

"اپوزیسیون به کارگران مشرق زمین می گوید: این تسلیم شدگان، که به علت دسیسه چینی های درونی حزبی ورشکسته شده اند، دارند به استالین کمک می کنند

www.hks-iran.com